



## مهدی ایمانی شهگیری از تجربه ساخت «تکتیر در اسارت» برنده نشان فیروزه («سینما حقیقت») به «ایران» گفت

# مستندی برای نجات زیستگاه یوز ایرانی

## گفت و گو

محمد احسان مفیدی کیا

منتقد

حالا که هفدهمین جشنواره بین‌المللی مستند ایران، «سینما حقیقت» بهترین آثار خود را در بخش‌های مختلف شناخته‌است و کسانی که اقبال حضور در سالن‌های آکران را داشته‌اند، کم و بیش از چند و چون آثار باخبرند، خوب‌است که درباره‌ آنها بیشتر گپ و گفت صورت گیرد و این بار کمی با نگاه نقادانه‌تر، در سوهی‌های قدرت و ضعف، به آنها بنگریم.

**کمی از پیشینه خود بگویید. کار را از کجا شروع کرده‌اید؟ و پیش از این چه مستندهایی ساخته‌اید؟**

من فارغ‌التحصیل کارگردانی سینما و کارشناسی ارشد تهیه‌کنندگی سینما هستم، تقریباً از ۲۰ سالگی به بعد با نگارش فیلمنامه و کارهای کوتاه داستانی وارد فضای تولید شدم. «تکتیر در اسارت» دومین تجربه من در گونه مستند بود. اولین آن مستند کوتاه «پریراه» بود که در چهاردهمین جشنواره سینما حقیقت، نامزد بهترین کارگردانی و بهترین تدوین شد، همچنین در جشنواره فیلم کوتاه تهران به جایزه بهترین مستند رسید، این مستند درباره پیرزنی تنها در شمال شه‌میرزاد بود که یافته‌ای به نام گلج می‌یابد و ضمن آن از افسانه‌هایی که با کار او در ارتباط است، می‌گوید. اقبال خوبی به این مستند در جشنواره‌های بین‌المللی مثل ملل اتریش و کاران روسیه شد. چند ماه بعد از آن من پروژه دوم مستندم را شروع کردم که درباره یوزپلنگ ایرانی بود.

**چرا سراغ این موضوع رفتید؟ علاقه مندی شما به حیات وحش و ساخت مستند در این حوزه از کجا ناشی شد؟**

این از علاقه ویژه من به طبیعت سرچشمه می‌گیرد، من متعلق به منطقه شه‌میرزاد در یک بزرگ شده‌ام. طبیعت برای من همیشه جذاب بوده است. به علاوه تجربه‌سازان در طبیعت برایم جایگاه ویژه‌ای دارند، بیش از ۵۰ گربه خیابانی را که مریض یا مجروح بوده‌اند تیمار کرده‌ام، من یک تیمارگر حرفه‌ای گربه‌ام (می‌خندد)، در سینما هم گزارش سینمای طبیعت‌گرا یا اکو سینما را خیلی دوست دارم، چه در داستانی و چه در مستند، ارتباط انسان و طبیعت پیرامون برای من جذاب است.

**به طور ویژه درباره موضوع «تکتیر در اسارت»، از کجا به این فکر افتادید که مستند تولید کنید؟**

قبلاً گربه‌سازان بسیار مهمی مثل ببر و شیر مازندران را داشته‌ایم و اینها خیلی مفت و آسان منقرض شده‌اند و سومین گربه‌سان مهم ما،

## عطا پناهی از تجربه تهیه‌کنندگی سریال «مستوران» به «ایران» گفت دنبال عاشقانه‌ای ایرانی بودیم که برای همه جذاب باشد

فرم خاص فیلمنامه‌ها نوشته شد.

سال‌ها بود قصه‌هایی با محتوای ادبیات ایرانی ساخته نشده بود و بسیاری از سریال‌ها اصطلاحاً آپارتمانی بودند. برای همین می‌دانستم باینده تلویزیون همراهِ بود. بهره‌مندی از قصه‌ها و ادبیات کهن ایرانی در کنار توجه به معاری، نگارگری و مینیاتورهای باقی‌مانده از گذشتگان از شاخه‌های فصل اول این سریال بود؛ موضوعی که عطا پناهی، تهیه‌کننده برآن تأکید دارد و معتقد است این نگاه نو، فراساس نظرسنجی‌های انجام‌شده موفق بوده و تلاش شده با روایت یک داستان عاشقانه ایرانی در کنار خرده‌داستان‌ها رضایت مخاطبان را با خود همراهِ سازد. به پناهی بخش فصل دوم «مستوران» عطا پناهی در گفت‌وگو با «ایران» از تجربه تهیه‌کنندگی این سریال گفته است.

**فرهنگی/ فصل دوم سریال «مستوران» در حالی این روزها به روی آنتن شبکه یک رفته است که فصل اول آن با استقبال خوب بینندگان تلویزیون همراهِ بود. بهره‌مندی از قصه‌ها و ادبیات کهن ایرانی در کنار توجه به معاری، نگارگری و مینیاتورهای باقی‌مانده از گذشتگان از شاخه‌های فصل اول این سریال بود؛ موضوعی که عطا پناهی، تهیه‌کننده برآن تأکید دارد و معتقد است این نگاه نو، فراساس نظرسنجی‌های انجام‌شده موفق بوده و تلاش شده با روایت یک داستان عاشقانه ایرانی در کنار خرده‌داستان‌ها رضایت مخاطبان را با خود همراهِ سازد. به پناهی بخش فصل دوم «مستوران» عطا پناهی در گفت‌وگو با «ایران» از تجربه تهیه‌کنندگی این سریال گفته است.**

**ساخت فیلم و سریال تاریخی با محتوای ادبیات و حکایت‌های کهن ایرانی به‌نظر کار آسانی نمی‌آید. چون ظاهراً کمتر سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده‌ای تمایل دارد برای ساخت محتوای تاریخی ایرانی ورود کند. چطور شد که شما به عنوان یک تهیه‌کننده جوان، سراغ سریال «مستوران» رفتید؟**

برای من و تیم استودیو یادبان همیشه پرداختن به قصه‌های کهن در ادبیات ایرانی دغدغه بوده است. از این‌رو همواره به دنبال ایده و طرح‌های تازه بودیم تا بتوانیم در این حوزه ورود موفقی داشته باشیم. چند سال پیش نیز احسان محمدحسینی، مدیرعامل سازمان هنری رسانه‌ای اوج به ما پیشنهاد ساخت سریالی را داد که بر اساس قصه‌ها و افسانه‌های کهن ایرانی باشد. سرعت عملکردمان را برای یافتن طرح و ایده‌های جدید بالا بردیم. به دنبال استخراج یکسری قصه‌های قدیمی از دل ادبیات کهن ایرانی بودیم که برای خانواده‌ها و جوان‌های امروز هم جذاب و هم قابل فهم باشد. در نهایت تصمیم بر آن شد تا از روش‌های نوین فیلمنامه‌نویسی بهره ببریم و به سراغ فیلمنامه‌نویس‌های جوان و باانگیزه رفتیم.

**رضایت فصل اول سریال «مستوران» در حدی بود که شما را ترغیب به ساخت فصل دوم سریال کند؟**

شود. به هر حال این اتفاق هم دلایل خاص خودش را داشت. یوزپلنگ برای بسیاری نهاده‌ها موضوعی حساس و به نوعی امنیت ملی است و حساسیت روی آن بسیار بالاست، حتی ورود من به سيات‌های نگهداری و تکثیر در اسارت مسأله پیچیده‌ای بود و پس از آن پیچیده‌تر هم می‌شد.

**روایت کار چطور شکل گرفت؟ از این بابت می‌پرسم که شما بیشتر یا سینمای داستانی همراه بوده‌اید و در آن فضا همه چیز از پیش تعیین شده است، شما دکوپاژ دارید، میزانشن کرده‌اید، بازیگران توجیه هستند و شرایط در اختیار شماست و تقریباً مقوله پیش‌بینی نشده، به آن معنا که در مستندسازی وجود دارد و ذات آن است، تجربه نکرده‌اید.**

درست است، ما در مورد یوزها واقعاً نمی‌دانستیم با چه مواجه خواهیم شد، نمی‌دانستیم سوزه ما را به کجا خواهد برد، اینکه جفت‌گیری اتفاق می‌افتد یا نه، حامله هستند یا نه، زایمان طبیعی است یا سزارین، توله‌ها می‌مانند یا می‌میرند، آینده برای ما همیشه مبهم بود و بویژه با مرگ توله‌ها، ساختاری که پیش‌بینی کرده بودیم خیلی تغییر کرد. زمان‌بندی نیز اصلاً در اختیار ما نبود و هم اینکه بنا به دلایلی همکاران محیط زیست هم اطلاعات منفی را به ما نمی‌دادند، ما نمی‌دانستیم که توله بیمار است یا ساعت‌ها پس از مرگ توله این‌را می‌فهمیدیم و آنجا نبودیم که تصویر بگیریم. خیلی‌ای مواقع حتی به من اجازه تصویربرداری ندادند. حواشی زیاد پیرامون این موضوع باعث می‌شد که مسئولان امر فکر کنند ضبط و به تبع آن پخش احتمالی تصاویر ددرساز است و البته یک نکته بهداشتی و پزشکی هم بود و آن اینکه ما عامل بیرونی بودیم-و ورودمان به سایت باعث بروز احتمال آلودگی و بیماری بود. در این مورد ما پیشنهاد تصویربرداری تیمارگران را دادیم که البته آن هم اکثراً پذیرفته نشد و حتی در آن مواردی که ممکن شد، پلان‌ها در لحظات بحرانی نبودند و کیفیت آنچنانی نداشتند. این کار با تمام این مصایب و مشکلات انجام شد و به جشنواره رسید.

**با این تفاسیر پیش‌بینی می‌کردید که در جشنواره هفدهم نشان فیروزه‌ای را که به هر صورت مورد توجه بود، از مستندسازان است، کسب کنید؟**

تا لحظات آخر در تلاش بودیم که فیلم به بهترین شکل به نمایش در بیاید به همین خاطر نتوانستم همه فیلم‌ها را ببینم، چون پیش‌قلمونی درباره کیفیت آثار رسیده نداشتم، نمی‌دانستم که مستند ما در چه رتبه‌ای قرار دارد، اما کسی که گذشتحس حدس می‌زدم که بین نامزدها و برنده‌های احتمالی باشد، اما کسب عنوان «بهترین فیلم مستند بلند» نه، دور از انتظار بود. جشنواره سینما حقیقت، مهم‌ترین رویداد مستند ایران است و نشان فیروزه‌ای هم برترین نشان آن، پس طبیعی است که برای هر مستندسازی مهم باشد.

**نظرتان درباره شیوه برگزاری و آکران‌ها در جشنواره امسال چه بود؟**

مخاطبان از افشار خاصی بودند و عموم مردم

نتوانستند برای دیدن آثار بایند، در حالی که من این فیلم را برای عموم مردم ساختم، حتی در زمان ویژه جشنواره هم می‌شد سینماهای بیشتری را به آکران آثار جشنواره اختصاص داد و در شهرستان‌ها هم امکان دیدن مستندها وجود داشته باشد. ما حتی به تبلیغات و خبررسانی عمومی بیشتری نیاز داشتیم. بر همین اساس است که می‌گوییم مستند هنوز هم مهجور است.

**و این در شرایطی است که به لحاظ مالی کار برای مستندساز پیچیده‌تر شده است.**

**از یک سو هزینه خرید یا کرایه تجهیزات با شتاب زیادی بالا می‌رود و اگر عوامل حرفه‌ای باشند، دستمزد در خور سابقه‌شان را می‌خواهند... با این اوضاع یازدهی برای مستند خیلی مهم است، الا لاق خوب دیده شدن می‌تواند این همه زحمت و هزینه را**

ما برای مستند «تکتیر در اسارت» حداقل سه سال زمان گذاشتیم، با یک برآورد بسیار پایین که تازه این حدبالایی برآورد در معاونت امور استان‌هاست، رقم ۱۰۰ میلیون تومان برای این فیلم که از هنرمندانی مثل افشین عزیزی برای موسیقی، مهدی آزادی برای فیلمبرداری و محمدحسن ابراهیمی برای صداگذاری و دیگر همکارانم که همه در جایگاه خود فوق‌العاده‌اند استفاده کرده، واقعاً رقم پایینی است. من حداقل سه برابر این رقم را مقروض هستم.

**همه این شرایط باعث می‌شود که ما بعد از این هم مهدی ایمانی شهگیری را در سینمای مستند ببینیم یا به سینمای داستانی باز خواهید گشت؟**

برای من مستند و داستانی، کوتاه یا بلند چندان تفاوتی ندارد، هر کدام از اینها یک مدیوم است و به آنجا کلاسیک اجرا شود و الباقی اجراها کرد؛ یکی از خجستگی‌های موسیقایی‌ام آشنایی با خانواده کامکارهاست که سال ۱۳۶۷ با عنوان «افسانه سرزمین پدیری‌ام» رخ داد و ارسال کامکار آهنگسازی این آلبوم را برعهده داشت. آلبوم «گل به دامن» را نیز با نظیم ارسال کامکار در کارنامه‌ام دارم.

مورد توجه علاقه‌مندان موسیقی قرار گرفت. محمدرضا چراغعلی نیز اظهار کرد: ویژگی استاد ارسال کامکار، تواضع و فروتنی است. امیدوارم انتهای هنرمند بودن، آفسان بودن باشد. علی جعفری پویان هم در این مراسم بیان داشت: امروز روز تجلیل نیست و یک بسته نیاشدید هنری به پناهی زاردوز ارسال کامکار است. همه به توانایی‌های این هنرمند آگاه هستیم. آهنگسازی او با موسیقی فیلم «مادر» آغاز شد و سینما کرد ارسال کامکار را نداشت. سه سوهوی درجه یک در سینمای ایران ژو که شامل موسیقی «قارچ سمی»، «میم مثل مادر» و «کیف انگلیسی» می‌شد.

شهرام صارمی نیز یادآور شد: امیدوارم ارسال کامکار خسته نشود و کار کند. نهاد خانواده برای کامکارها مهم است و همیشه باهم بوده‌اند. افتخار شادری هوشنگ کامکار را داشتیم و از آموزه‌های ادریش کامکار بهره بردم. امیدوارم شرایط به گونه‌ای باشد که پویایی و اعتلای این هنر را بیشتر شاهد باشیم.

ارسال کامکار نیز با تقدیر از همسرش اظهار کرد: خیلی چیزها را می‌خواستیم بگویم اما اعتراض اثری ندارد. ۲۵ سال است برای ارکستر سمفونیک تلاش می‌کنیم که به آن توجه شود و نسل جدید حمایت شود اما دیدیم فایده ندارد. آتچنان که باید برای هنرمندان ارزش قائل نمی‌شوند. آخرین کارم اپرا رابعه براساس متن مسعود پخوی است. در ادامه تندیس یادبود کانون زمستان به ارسال کامکار اهدا شد و این هنرمند شمع تولد ۶۲ سالگی خود را خاموش کرد. اجرای حمید غلامعلی و مهدی یغمایی از دیگر بخش‌های این برنامه بود.



تشرک و بازیگرهای تئاتر را کنار هم داشته باشیم که ترکیب بسیار خوبی شد. این موضوع قدرت و اهمیت تلویزیون را نشان می‌دهد که وقتی سریالی خوب ساخته شود بازیگرها می‌توانند در آن دیده شوند.

**در آثار تاریخی و جدی دیده شده‌اند. در کنار آنها از حضور بازیگران توانمند و کمتر دیده‌شده تئاتر بهره برده‌اید. چطور شد سراغ چنین ترکیبی رفتید؟**

در فصل اول با سیدجمال سیدحاتمی به انتخاب بازیگرهایی مانند رابعه اسکونی و بیژن بنفشه‌خواه رسیدیم. شاید در ابتدا تصمیم پرسیکی بود اما وقتی اولین سکانس بازی این بازیگرها را مقابل دوربین دیدیم متوجه شدیم از پس کار برمی‌آیند و نگرانی‌ها برطرف شد. بیژن بنفشه‌خواه واقعاً درخشید. برای همین این اعتماد بنفش را به تیم سازنده داد که می‌تواند در انتخاب بازیگرها آزادانه‌تر فکر کرد. در فصل دوم نیز بازیگرهایی داریم که شاید قبلاً برای نقش‌های جدی کمتر انتخاب می‌شدند اما با بازی در این سریال باینده متوجه می‌شود آنها به‌عنوان بازیگر قابلتیرا از آن دارند که فقط در یک ژانر بازیگرکی مقابل دوربین قرار گیرند. خوشبختانه در فصل دوم در زمینه انتخاب بازیگر سلیقه من با سلیقه‌ علی‌هاشمی بسیار نزدیک بود و لذا با کمترین چالش به انتخاب بازیگرها رسیدیم. از روزی که محمد حنیف در رمان مستوران\_ که بزودی رونمایی خواهد شد- درباره کاراکتر کابوش نوشت محمداصاق ملک به دهم رسید. او بازیگر خوشنام و خوش ذوق تئاتر است. ملک به خوبی از پس نقش منفی فوق‌العاده جذبی که چندوجهی و کاملاً پیچیده است برآمده است. در کنار ایشان بازیگران تئاتر دیگری همچون علی باقری حضور دارد که آنها نیز به باور من، انتخاب‌های درستی هستند. ضمن اینکه سعی شد تا ترکیبی از بازیگران پیشکسوت مانند فرهاد آئیش و ژیا قاسمی و بازیگران محبوب و بنام تلویزیون مانند بهنام جبران کرد.

## فرهنگی

### گزارش

### تقدیر از مرد با اخلاق موسیقی



مراسم تقدیر از ارسال کامکار همزمان با زاردوز این استاد در کانون ادبی زمستان برگزار شد.

هوشنگ کامکار سرپرست گروه موسیقی کامکارها در این مراسم اظهار کرد: شرایط موسیقی امروز گریه‌آور است. می‌خواستیم مجلس عزای عمومی برای موسیقی ایران بگیریم. براین اساس در این شرایط قدرتمانی از هنرمندان زنده ارزنده است. من نیاید درباره ارسال حرف بزنم اما او یک عیب خوب دارد و خود بزرگ بین نیست.

او ادامه داد: ارسال با رهبران خوبی در ارکستر سمفونیک کار کرده و در گروه کامکارها نقش مهمی داشته است. سالیان بسیاری است که ارسال ندریس می‌کند، شاگردان بسیاری در نوازندگی ویولن دارد و به من در اجرای کارهایم کمک کرده است. ارکستر سمفونیک به جای اینکه به جوانان آهنگساز برسد، چیزهایی را اجرامی‌کند که فایده‌ای ندارد. باید بخشی از کارهای ارکستر کلاسیک اجرا شود و الباقی اجراها به آثار جوانان برسد. بیژن بیژنی نیز اظهار کرد: یکی از خجستگی‌های موسیقایی‌ام آشنایی با خانواده کامکارهاست که سال ۱۳۶۷ با عنوان «افسانه سرزمین پدیری‌ام» رخ داد و ارسال کامکار آهنگسازی این آلبوم را برعهده داشت. آلبوم «گل به دامن» را نیز با نظیم ارسال کامکار در کارنامه‌ام دارم.

مورد توجه علاقه‌مندان موسیقی قرار گرفت. محمدرضا چراغعلی نیز اظهار کرد: ویژگی استاد ارسال کامکار، تواضع و فروتنی است. امیدوارم انتهای هنرمند بودن، آفسان بودن باشد. علی جعفری پویان هم در این مراسم بیان داشت: امروز روز تجلیل نیست و یک بسته نیاشدید هنری به پناهی زاردوز ارسال کامکار است. همه به توانایی‌های این هنرمند آگاه هستیم. آهنگسازی او با موسیقی فیلم «مادر» آغاز شد و سینما کرد ارسال کامکار را نداشت. سه سوهوی درجه یک در سینمای ایران ژو که شامل موسیقی «قارچ سمی»، «میم مثل مادر» و «کیف انگلیسی» می‌شد.

شهرام صارمی نیز یادآور شد: امیدوارم ارسال کامکار خسته نشود و کار کند. نهاد خانواده برای کامکارها مهم است و همیشه باهم بوده‌اند. افتخار شادری هوشنگ کامکار را داشتیم و از آموزه‌های ادریش کامکار بهره بردم. امیدوارم شرایط به گونه‌ای باشد که پویایی و اعتلای این هنر را بیشتر شاهد باشیم.

### خبر

## رونمایی از انیمیشن «اسطوره» با روایتی از سردار سلیمانی

انیمیشن کوتاه «اسطوره» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سیدمصطفی حسینی با روایتی از رشادتهای سردار سلیمانی به‌زودی منتشر خواهد شد.

این انیمیشن براساس شعری از سیدمصطفی حسینی و ایده‌ای از مهدی صالحی روایتی از اسطوره‌ای است که نه در کتاب تاریخ اساطیر، که در عصر ما می‌زیست. «اسطوره» به بهره‌گیری از تکنیک کمپک‌موشن و به‌صورت ۲D در استودیو پویانو مشهد و در رویداد هنر حماسی حوزه هنری خراسان رضوی، توسط تیمی جوان به تولید رسیده و همزمان با فرارسیدن سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی رونمایی خواهد شد.

این کمیک‌موشن ۱۲ دقیقه‌ای به عنوان نخستین اثر پویانمایی توصیف‌گر رشادتها و قهرمانی این سردار بلندآوازه در راه ایمان و آرمان است.

**روابط عمومی**

